



Adjustment of the "Enforcement Guarantee" of Alternatives to Imprisonment: A Step Towards the Development of the Policy to Reduce the Prison Population

Javad Riahi¹ 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Ayatollah Broujerdi University, Broujerd, Iran. E-mail: Riahi@abru.ac.ir

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Keywords:
*Decarceration,
Alternatives,
Imprisonment,
Sanctions,
Penalty.*

ABSTRACT

One of the characteristics of the "legal rule" is that it has an appropriate sanction and since the "alternatives to imprisonment sentence" are manifested in the form of legal rules, they are not exempt from this. However, how to ensure the implementation of alternatives to imprisonment is a sensitive and precise issue that has a direct effect on the effectiveness of the alternatives; therefore, if the implementation of alternatives to imprisonment is ensured in a wise and desirable manner, it can elevate them to the level of useful mechanisms for the realization of the policy of de-incarceration, and otherwise, it can reduce the alternatives to the level of serious obstacles in the way of that policy. This article has adopted a descriptive-analytical method to examine the system of sanctions of alternatives to imprisonment in the Islamic Penal Code approved in 2013 and has concluded that this system, in addition to lacking the necessary coherence to indicate a specific legal logic, has been adjusted due to a lenient view of alternatives and based on a strict approach. Therefore, adjusting the system of guaranteeing the implementation of alternatives to imprisonment in the Islamic Penal Code based on a moderate approach and in accordance with the policy of reducing the prison population is one of the necessary measures to reduce the population of prisoners in the country.

Cite this article: Riahi, J. (2023). Adjustment of the "Enforcement Guarantee" of Alternatives to Imprisonment: A Step Towards the Development of the Policy to Reduce the Prison. *Population Journal*, 30 (126), 107-136.

© The Author(s).

Extended Abstract**Introduction**

One of the characteristics of the "legal rule" is that it has an appropriate sanction and since the "alternatives to imprisonment sentence" are manifested in the form of legal rules, they are not exempt from this. However, how to ensure the implementation of alternatives to imprisonment is a sensitive and precise issue that has a direct effect on the effectiveness of the alternatives; therefore, if the implementation of alternatives to imprisonment is ensured in a wise and desirable manner, it can elevate them to the level of useful mechanisms for the realization of the policy of de-incarceration, and otherwise, it can reduce the alternatives to the level of serious obstacles in the way of that policy.

Methodology

This article has adopted a descriptive-analytical method to examine the system of sanctions of alternatives to imprisonment in the Islamic Penal Code approved in 2013.

Findings

The system of sanctions of alternatives to imprisonment in the Islamic Penal Code approved in 2013, in addition to lacking the necessary coherence to indicate a specific legal logic, has been adjusted due to a lenient view of alternatives and based on a strict approach..

Conclusion and Discussion

Adjusting the system of guaranteeing the implementation of alternatives to imprisonment in the Islamic Penal Code based on a moderate approach and in accordance with the policy of reducing the prison population is one of the necessary measures to reduce the population of prisoners in the country.



تعدیل «ضمانت اجرای» جایگزین‌های کیفر حبس: گامی به‌سوی

توسعه سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها

جواد ریاحی^۱ ✉

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. رایانامه: Riahi@abru.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی-پژوهشی	از ویژگی‌های «قاعده حقوقی» برخورداری آن از ضمانت اجراست و «جایگزین‌های کیفر حبس» نیز که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در قالب قواعد حقوقی مقرر، از این امر مستثنا نشده و با ضمانت اجراهای خاصی تضمین شده است. اما مسئله مهم، چگونگی تضمین اجرای جایگزین‌های کیفر حبس، به‌عنوان موضوع حساس و دقیقی است که بر کارآمدی جایگزین‌ها اثر مستقیم دارد؛ به این معنا که اگر اجرای جایگزین‌های کیفر حبس به نحو خردمندانه و مطلوبی تضمین شود، می‌تواند کارآمدی آن‌ها را تضمین کند و آن واکنش‌ها را به سطح سازوکارهای سودمندی برای تحقق سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها ارتقا دهد؛ اما در غیر این صورت، نه تنها می‌تواند موجب افت کارآمدی و اثربخشی جایگزین‌ها شود، بلکه حتی ممکن است آن‌ها را در سطح موانعی جدی بر سر راه آن سیاست تنزل دهد. این مقاله با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی به بررسی نظام ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ پرداخته و به این نتیجه رسیده که این نظام علاوه بر اینکه از فقدان انسجام لازم رنج می‌برد، به دلیل اینکه در اثر نگاه ارفاقی به جایگزین‌ها و براساس یک رویکرد سختگیرانه تنظیم شده، به اقتضائات واقع‌بینی و الزامات کاهش جمعیت زندان‌ها پایبند نیست. از این‌رو، تعدیل نظام ضمانت اجراهای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی براساس رویکرد میانه و متناسب با سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها، یکی از اقدامات ضروری برای کاستن از جمعیت زندانیان کشور است.
کلیدواژه‌ها: جایگزین‌ها، حبس، ضمانت اجرا، کاهش جمعیت زندان‌ها، کیفر.	

استناد: ریاحی، جواد (سال). تعدیل «ضمانت اجرای» جایگزین‌های کیفر حبس: گامی به‌سوی توسعه سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها. فصلنامه جمعیت، ۳۰ (۱۲۶)، ۱۳۶-۱۰۷.
© نویسندگان.

۱. مقدمه

واژه «حبس» در اصطلاح «جایگزین‌های کیفر حبس»، نه به معنای مطلق سلب آزادی - اعم از پیش از محاکمه و پس از آن - است و نه واژه «جایگزین»، شامل تدابیر قضازدایی است. جایگزین‌ها در این مفهوم، یعنی واکنش‌ها (مجازات‌ها) یا تدابیری (مانند آزادی مشروط) که به خود «کیفر حبس» اختصاص دارند و اساساً یا غالباً برای جانشین‌سازی با مجازات حبس طراحی و اجرا می‌شود.

به دیگر سخن، در اینجا «مطلق حبس» مراد نیست و جایگزین‌های کیفر حبس، مجموعه‌ای از تدابیر یا واکنش‌های جزایی را شامل می‌شود که می‌تواند جایگزین «مجازات حبس» شود؛ از این‌رو، این عبارت، مصادیق متنوعی از واکنش‌های جزایی و تدابیر، از قبیل تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، نیمه‌آزادی، مجازات‌های جایگزین حبس و مراقبت الکترونیکی محکومان را در بر می‌گیرد؛ اما، تدابیر و اقداماتی نظیر تعلیق تعقیب، ترک تعقیب و جانشین‌های قرار بازداشت موقت، در این مفهوم جایگاهی ندارد.

«ضمانت اجراهای» جایگزین‌های کیفر حبس، یکی از مهم‌ترین موضوعات در حوزه جایگزین‌هاست؛ چراکه جایگزین‌های کیفر حبس، بدون برخورداری از ضمانت اجراهای کارآمد و متناسب، قابل اجرا نبوده، از حیث انتفاع ساقط می‌شود. جایگزین‌های کیفر حبس، پیش از هرچیز در قالب قواعد حقوقی تجلی می‌یابد و از مشخصه‌های قواعد حقوقی، برخورداری آن‌ها از ضمانت اجراست.^۱ در حقیقت، همان‌گونه که تقریرکنندگان الفبای حقوق گفته‌اند (کاتوزیان، ۱۴۰۳: ۵۰؛ شیری، ۱۴۰۲: ۴۷؛ جعفری لنگرودی، ۱۴۰۳: ۶۳؛ دانش‌پژوه، ۱۴۰۳: ۸۷)، هر قاعده حقوقی فاقد ضمانت اجرا از حیث اجتماعی هم‌عرض توصیه‌های اخلاقی قرار می‌گیرد و در صورتی که نقض شود، الزام ناقض به جبران یا تحمل کیفر نقض قاعده با دشواری روبه‌رو می‌شود. از این‌رو، وجود ضمانت اجرا درباره جایگزین‌ها نیز از امور ضروری است که در غیر این صورت، در صورت تخلف محکوم از اجرای حکم، آن‌گونه که شایسته است بازخواست متخلف در قبال نقض قاعده یا اجبار او به اجرای آن ممکن نیست.

به همین دلیل، تقریباً همه قانون‌گذاران در کشورهای مختلف، اجرای جایگزین‌های کیفر حبس را با وضع انواعی از ضمانت اجرا از قبیل تشدید شرایط اجرای حکم، افزایش مدت نظارت

۱. «در نگاه بسیاری از کارشناسان مسائل حقوقی، ضمانت اجرا از برجسته‌ترین ویژگی‌های قاعده حقوقی است. در زبان حقوقی، ضمانت اجرا بخش تدافعی یک قانون یا بخشی از آن است که برای نقض و شکستن قانون، کیفر و مجازاتی را مقرر یا اعلام می‌دارد» (ساکت، ۱۳۸۷: ۴۴۷).

و مراقبت، تبدیل کیفر جایگزین به جایگزینی دیگر یا الغای حکم جایگزین و اجرای کیفر حبس، تضمین کرده‌اند (رجوع شود به: اشورث، ۲۰۱۲؛ باتمز و دیگران، ۲۰۰۴؛ برونلی، ۱۹۹۸؛ داویس و دیگران، ۲۰۰۵؛ ایستون و پایپر، ۲۰۱۶؛ مکنزی، ۲۰۰۱؛ ماسون، ۲۰۰۰؛ اسکات، ۲۰۰۸؛ سیمور، ۲۰۰۵؛ سینگ، ۲۰۰۲).

موضوع ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در اسناد بین‌المللی نیز مورد غفلت واقع نشده است. یکی از اسناد قابل توجهی که در هشتمین کنگره سازمان ملل برای پیشگیری از جرائم و رفتار با مجرمان که در تاریخ ۲۷ اوت تا ۷ سپتامبر ۱۹۹۰ در هاوانای کوبا برگزار شد، مطرح شده و برای تصویب به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد، سند «مدیریت عدالت جزایی و تهیه خط‌مشی‌های تعیین مجازات» است. این سند اگرچه صرفاً به جایگزین‌های کیفر حبس و اقدامات غیر سالب آزادی اختصاص ندارد، اما قواعد مهمی را درباره جایگزین‌های کیفر حبس در بر دارد (امیرارجمند، ۱۳۸۶: ۳۳۶).

سند مدیریت عدالت جزایی و تهیه خط‌مشی‌های تعیین مجازات، در پنج قسمت تنظیم شده است. در قسمت «ب» این سند با عنوان «اطمینان از رفتار مناسب» چنین آمده است: «همچنین توصیه می‌نماید که دولت‌های عضو، اقدام در موارد ذیل را ترویج نمایند: ...ج) حصول اطمینان از اینکه «زندانی شدن» اگر به‌عنوان ضمانت اجرایی برای قصور در رعایت شرایط «محکومیت غیر از حبس» به کار می‌رود، به‌صورت دلخواهانه و خودبه‌خود اعمال نشود و فقط در مواردی به کار برود که قصور، عمدی و به‌قصد ارتکاب جرم بوده است و نیز به مجرم فرصت توضیح داده شود.»

تضمین اجرای جایگزین‌ها، کاری بس حساس و ظریف و مهم است؛ زیرا مستلزم توجه به شرایط و اقتضائات متعدد و متنوعی است و باید با لحاظ اهداف آن واکنش‌ها و تدابیر صورت پذیرد و در صورتی که بدون توجه به این امور مهم صورت پذیرد، می‌تواند اجرای جایگزین‌های کیفر حبس را غیرممکن کند یا آن‌ها را از اهداف خود دور ساخته، مشکلات جدیدی را برای نظام عدالت کیفری به همراه آورد.

برای مثال، این امر روشن است که امروزه، یکی از اهداف اولیه جایگزین‌های کیفر حبس، کاهش توسل به حبس و تقلیل آمار زندانیان است؛ زیرا اسناد بالادستی نظیر سیاست‌های کلی قضایی و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بر لزوم اتخاذ راهکارهایی برای کاهش توسل به کیفر حبس و کاهش آمار زندانیان تأکید داشته، نشان می‌دهد که یکی از اولویت‌های نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، سیاست حبس‌زدایی است (رجوع شود به: بهره‌مند، ۱۳۹۶: ۳۵۹). از این رو، در تعیین کمیت و کیفیت ضمانت اجرا برای جایگزین‌های کیفر حبس نباید از این هدف غفلت کرد

و اجرای همه انواع جایگزین‌ها را در همه جرائم و درباره همه انواع مجرمان، با ضمانت اجراهای بسیار شدید تضمین کرد؛ زیرا سختگیری‌های نابجا و افراطی به‌صورتی که اولین تخلف یا تخلفات خرد موجب لغو حکم مجازات جایگزین و اجرای کیفر حبس شود، آشکارا با اهداف یادشده مغایرت دارد.

با این حال، نگاهی به مقررات جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که علی‌رغم اینکه در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، کاهش جمعیت زندان‌ها به‌عنوان یکی از سیاست‌های کلی قضایی معرفی شده، اما قانون مجازات اسلامی به‌گونه‌ای ناهمسو با آن سیاست، شرایط سختگیرانه‌ای را در زمینه ضمانت اجراهای جایگزین‌های کیفر حبس پیش‌بینی کرده است.

علاوه بر آن، قانون‌گذار ایران در تعیین کمیت و کیفیت ضمانت اجرا برای گونه‌های مختلف جایگزین‌های کیفر حبس، از سیاست واحدی تبعیت نکرده و در این زمینه به‌نوعی پراکنده و غیرمنسجم عمل کرده است؛ به‌طوری که گاهی در قانون به ضمانت اجرا تصریح کرده و گاهی سکوت اختیار کرده و گاهی از افزایش مدت مراقبت و گاهی از الغاء حکم جایگزین استفاده کرده است.

از این‌رو، در ارتباط با ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس این مسئله شایسته بررسی است که چرا قانون‌گذار ایران ضمانت اجرای جایگزین‌ها را به افزایش مدت یا تشدید کیفر جایگزین یا اجرای کیفر حبس محدود کرده و از سازوکارهای دیگر استفاده نکرده است؟ چرا در تعیین کمیت و کیفیت ضمانت اجرا برای گونه‌های مختلف جایگزین‌ها از سیاست واحدی تبعیت نکرده است؟ مقررات کنونی ناظر به ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس چه آثاری بر سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها دارد؟ و بازنگری در مقررات ناظر به ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس تا چه حد ضرورت دارد؟

بررسی‌ها نشان می‌دهد که تاکنون تحقیقی در این زمینه صورت نگرفته است؛ از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، ضمانت اجراهای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آیین‌نامه‌های مربوط را بررسی کرده، پاسخی برای پرسش‌های یادشده بیابد. برای این منظور، پس از تشریح وضعیت موجود ضمانت اجراها، رویکردهای تقنینی در وضع ضمانت اجرا برای جایگزین‌های کیفر حبس تحلیل می‌شود، سپس، دلایل لزوم اتخاذ رویکرد میانه و متناسب با سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها بررسی و تبیین می‌شود.

۲. تشریح و تبیین وضعیت موجود ضمانت اجراها

قانون‌گذار جمهوری اسلامی ایران برای تعیین کمیت و کیفیت ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس از نظام یا رویکرد واحد و منسجمی استفاده نکرده است. گاهی اجرای جایگزین‌ها را با نظام تشدید مدت نظارت و مراقبت تضمین کرده است؛ گاهی از نظام الغایی بهره برده و در مواردی نیز سکوت اختیار کرده است. حسب ظاهر مقررات قانون مجازات اسلامی، درباره آنچه «تخلفات سبک» از مقررات جایگزین‌ها می‌توان نامید، در صورت تخلف، مدتی که محکوم‌علیه باید تحت نظارت باشد، افزایش می‌یابد (منصورآبادی، ۱۴۰۱ الف: ۲۷۹).

به‌عنوان مثال، مقنن در باب تعویق صدور حکم در ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر داشته است: «در صورت عدم اجرای دستورهای دادگاه، قاضی می‌تواند برای یک‌بار تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر کند.»؛ یا در باب تعلیق اجرای مجازات، در ماده ۵۰ آن قانون مقرر داشته است: «چنانچه محکومی که مجازات او معلق شده است، در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند به درخواست دادستان یا قاضی اجرای احکام، برای بار اول یک تا دو سال به مدت تعلیق اضافه یا قرار تعلیق را لغو نماید...».

علاوه بر آن، مقنن با اتخاذ رویکرد الغایی در تنظیم مقررات ناظر به ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس، شدت عمل قابل توجهی را به نمایش گذاشته است (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۲۱۴). به‌عنوان مثال، به‌موجب قسمت اخیر مقررۀ مرقوم (ماده ۵۰ قانون مجازات اسلامی): «... تخلف از دستور دادگاه برای بار دوم، موجب الغای قرار تعلیق و اجرای مجازات می‌شود»؛ یا مطابق ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی: «در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجۀ هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند.» مشابه این حکم در ماده ۵۴ آن قانون برای تعلیق اجرای مجازات مقرر شده است؛ چنان که ملاحظه می‌شود، اختلاف شدت میان ضمانت اجرای تخلف اول با ضمانت اجرای تخلف دوم بسیار فاحش است.

جدول شماره ۱. ضمانت اجراهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات

ردیف	عنوان جایگزین	عنوان تخلف	مرتبه	تصمیم دادگاه
۱	تعویق صدور حکم	نقض دستور	اول	افزایش مدت قرار تا یک‌دوم/ لغو قرار و صدور حکم
			دوم	لغو قرار و صدور حکم
		ارتکاب جرم	اول	لغو قرار و صدور حکم
۲	تعلیق اجرای مجازات	نقض دستور	اول	افزایش مدت قرار یک تا دو سال / لغو قرار و صدور حکم
			دوم	لغو قرار و اجرای مجازات
		ارتکاب جرم	اول	لغو قرار و اجرای مجازات و اعلام مراتب به دادگاه قبلی

درباره ضمانت اجرای آزادی مشروط نیز حکمی شبیه ضمانت اجرای قرارهای تعویق و تعلیق وجود دارد: «هرگاه محکوم در مدت آزادی مشروط بدون عذر موجه از دستورهای دادگاه تبعیت نکند، برای بار اول یک تا دو سال به مدت آزادی مشروط وی افزوده می‌شود. در صورت تکرار یا ارتکاب یکی از جرائم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت، علاوه بر مجازات جرم جدید، مدت باقیمانده محکومیت نیز به اجرا درمی‌آید، در غیراین صورت، آزادی او قطعی می‌شود» (ماده ۶۱ قانون مجازات اسلامی).

بااین حال، تفاوت ظریفی که میان تعویق و تعلیق با آزادی مشروط وجود دارد این است که در تعویق و تعلیق، تخلف اول از دستورات دادگاه ممکن است موجب لغو قرار دادگاه و صدور حکم معوق یا اجرای کیفر معلق شود، اما آزادی مشروط از حیث تخلف اول صرفاً با افزایش مدت مراقبت تضمین شده و امکان الغای حکم آزادی مشروط در تخلف اول وجود ندارد. بدیهی است که این رویکرد دوگانه قانون‌گذار، تأمل برانگیز است؛ زیرا با توجه به اینکه تعویق و تعلیق، غالباً درباره جرائم سبکتر و مجرمان کمتر خطرناک اعمال می‌شود، انتظار می‌رفت که این رویکرد به عکس باشد.

جدول شماره ۲. ضمانت اجرای آزادی مشروط

ردیف	عنوان جایگزین	عنوان تخلف	مرتبّه	تصمیم دادگاه
۱	آزادی مشروط	نقض دستور	اول	افزایش مدت آزادی مشروط یک تا دو سال
			دوم	لغو آزادی مشروط و اجرای باقیمانده محکومیت
		ارتکاب جرم	اول	لغو آزادی مشروط و اجرای باقیمانده محکومیت

مشابه آنچه گفته شد را درباره مجازات‌های جایگزین حبس نیز می‌توان مشاهده کرد. مقنن در این باره نیز از دو نظام تشدید و الغایی بهره برده (منصورآبادی، ۱۴۰۱ ب: ۳۹۵) و در ماده ۸۱ قانون مجازات اسلامی مقرر داشته است: «چنانچه محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف نماید، به پیشنهاد قاضی اجرای احکام و رأی دادگاه برای بار نخست یک‌چهارم تا یک‌دوم به مجازات مورد حکم افزوده می‌شود و در صورت تکرار، مجازات حبس اجرا می‌گردد.»

جدول شماره ۳. ضمانت اجرای مجازات‌های جایگزین حبس

ردیف	عنوان جایگزین	عنوان تخلف	مرتبّه	تصمیم دادگاه
۱	مجازات جایگزین حبس	نقض دستور/ تخلف از اجرای حکم	اول	افزایش مدت جایگزین یک‌چهارم تا یک‌دوم
			دوم	اجرای کیفر حبس

از نقطه نظر تنوع ضمانت اجرا، در مقررات مجازات‌های جایگزین حبس مقررهای وجود دارد که مشابه آن در مقررات سایر جایگزین‌های کیفر حبس دیده نمی‌شود. این مقرره جالب توجه، در ماده ۸۲ قانون مجازات اسلامی تجلی یافته است: «چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجرا نشده آن بعد از رفع، مانع اجرا می‌گردد. چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد، مجازات اصلی اجرا می‌شود.»

درباره این مقرره که قانون‌گذار میان رفتار عمدی محکوم با سایر موارد تفکیک قائل شده، این پرسش قابل طرح است که آیا ایجاد مانع عمدی به وسیله محکوم برای متوقف کردن مجازات، سبب علی‌حده‌ای برای الغای مجازات جایگزین حبس است یا اینکه به منزله تخلف از اجرای مجازات جایگزین محسوب می‌شود؟ به نظر می‌رسد جمع میان مقررات اقتضا دارد که قسمت

ذیل این مقرر در چارچوب ماده ۸۱ تفسیر شود و نباید سبب علی‌حده‌ای برای الغای مجازات جایگزین و اجرای کیفر حبس تلقی شود. با این توضیح، می‌توان گفت که ایجاد مانع غیر عمدی اثری ندارد و ایجاد مانع عمدی برای بار اول موجب تشدید مدت جایگزین و برای بار دوم موجب الغای آن است. به عبارت دیگر، ایجاد مانع عمدی به وسیله محکوم برای متوقف کردن مجازات، اگر از راه ارتکاب جرم عمدی تعزیری تا درجه هفت نباشد، یکی از مصادیق تخلفات سبک است که تکرار آن به لغو مجازات جایگزین و اجرای کیفر حبس منتهی می‌شود.

برخلاف موارد قبل، قانون مجازات اسلامی به ضمانت اجرای تخلف از نیمه‌آزادی و مراقبت الکترونیکی، نه در قالب نظام الغایی و نه در قالب نظام تشدید، تصریح نکرده است. باین حال، اصل وجود ضمانت اجرا از توجه به سیاق مواد ۵۷ و ۶۲ و آیین‌نامه‌های مربوط قابل درک است. چنانکه ماده ۵۷ مقرر می‌دارد: «در حبس‌های تعزیری درجه پنج تا هفت دادگاه صادرکننده حکم قطعی می‌تواند مشروط به گذشت شاکی و سپردن تأمین مناسب و تعهد به انجام یک فعالیت شغلی، حرفه‌ای، آموزشی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی یا درمان اعتیاد یا بیماری که در فرآیند اصلاح یا جبران خسارت وارد بر بزه‌دیده مؤثر است، محکوم را با رضایت خود او، تحت نظام نیمه‌آزادی قرار دهد.» همچنین ماده ۶۲ مقرر می‌دارد: «در جرائم تعزیری از درجه پنج تا درجه هشت، دادگاه می‌تواند در صورت وجود شرایط مقرر در تعویق مراقبتی، محکوم به حبس را با رضایت وی در محدوده مکانی مشخص تحت نظارت سامانه (سیستم)‌های الکترونیکی قرار دهد.»

جدول شماره ۴. ضمانت اجرای نیمه‌آزادی و مراقبت الکترونیکی

ردیف	عنوان جایگزین	عنوان تخلف	مرتبّه	تصمیم دادگاه
۱	نیمه‌آزادی	نقض دستور / ارتکاب جرم	اول	اجرای کیفر حبس (حسب ظاهر مقررات)
۲	مراقبت الکترونیکی	نقض دستور / ارتکاب جرم	اول	اجرای کیفر حبس (حسب ظاهر مقررات)

در این زمینه، ماده ۱۶ آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های حبس مصوب ۱۳۹۸/۲/۴ چنین مقرر می‌دارد: «چنانچه انجام فعالیت موضوع حکم دادگاه در مرحله اجرا غیرممکن شود، رئیس مرکز نیمه‌آزادی باید مراتب و پیشنهاد فعالیت دیگر را به همراه درخواست محکوم‌علیه از طریق قاضی اجرا به دادگاه منعکس کند تا وفق دستور

دادگاه اقدام شود.»

ماده ۲۲ آن آیین‌نامه نیز مقرر داشته است: «محکوم‌علیه در طول دوره نیمه‌آزادی مکلف به رعایت دستورات مندرج در رأی دادگاه و تعلیمات قاضی اجرا است و در صورت تخلف یا ارتکاب جرم جدید، قاضی اجرا مراتب را جهت اقدام مقتضی به دادگاه اعلام می‌کند. مرکز نیمه‌آزادی نیز مکلف است تخلف محکوم‌علیه را به قاضی اجرا اعلام تا در صورت احراز تخلف، از دادگاه کسب تکلیف شود.» ملاحظه می‌شود که در این مقرره به اینکه دادگاه در صورت احراز تخلف یا ارتکاب جرم جدید چه تصمیمی اتخاذ می‌کند، تصریح نشده است.

ماده ۴ دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی محکومان تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی مصوب ۱۴۰۱/۵/۲۹ نیز به ذکر این عبارت کلی بسنده کرده است که: «نظارت بر حسن اجرای این دستورالعمل حسب مورد بر عهده مراجع قضایی ذی‌ربط یا سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور می‌باشد.»

بنابراین، تعیین ضمانت اجرای تخلف از نیمه‌آزادی و مراقبت الکترونیکی به مراجع قضایی تفویض شده و هرچند قاضی می‌تواند حسب تفسیر ظاهری مقررات، در صورت نقض دستورات یا ارتکاب جرم جدید، نیمه‌آزادی یا مراقبت الکترونیکی را لغو کند، اما حسب تفسیر منطقی مقررات، انتظار می‌رود مراجع یادشده با وحدت ملاک از ضمانت اجرای مصرح در سایر جایگزین‌های کیفر حبس، ضمانت اجرای تخلف از نیمه‌آزادی و مراقبت الکترونیکی را در قالب نظام‌های تشدید یا الغایی تعیین و اجرا کنند.

جدول زیر نشان‌دهنده وضعیت ناهمگون و غیرمنسجم ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی است.

جدول شماره ۵. خلاصه وضعیت ضمانت اجرای همه انواع جایگزین‌ها

ردیف	عنوان جایگزین	عنوان تخلف	مرتبۀ	تصمیم دادگاه	وجود الزام قانونی یا اختیار قضایی	صراحت قانونی	مرجع صدور	مقرره قانونی مربوط
۱	تعویق صدور حکم	تقص دستور	اول	افزایش مدت قرار یک‌دوم / لغو قرار و صدور حکم	قضایی	دارد	دادگاه بدوی	۴۴
			دوم	لغو قرار و صدور حکم	قانونی	دارد	دادگاه بدوی	۴۴
		ارتکاب جرم	اول	لغو قرار و صدور حکم	قانونی	دارد	دادگاه بدوی	۴۴
۲	تعطیل اجرای مجازات	تقص دستور	اول	افزایش مدت قرار یک تا دو سال / لغو قرار و صدور حکم	قضایی	دارد	صادرکننده حکم قطعی	۵۰
			دوم	لغو قرار و اجرای مجازات	قانونی	دارد	صادرکننده حکم قطعی	۵۰
		ارتکاب جرم	اول	لغو قرار و اجرای مجازات و اعلام مراتب به دادگاه قبلی	قانونی	دارد	صادرکننده حکم قطعی	۵۰
۳	آزادی مشروط	تقص دستور	اول	افزایش مدت آزادی مشروط یک تا دو سال	قانونی	دارد	صادرکننده حکم قطعی	۶۱
			دوم	لغو آزادی مشروط و اجرای	قانونی	دارد	صادرکننده حکم قطعی	۶۱

ردیف	عنوان جایگزین	عنوان تخلف	مرتبۀ	تصمیم دادگاه	وجود الزام قانونی یا اختیار قضایی	صراحت قانونی	مرجع صدور	مقرره قانونی مربوط
				باقیمانده محکومیت				
		ارتکاب جرم	اول	لغو آزادی مشروط و اجرای باقیمانده محکومیت	قانونی	دارد	صادرکننده حکم قطعی	۶۱
۴	مجازات جایگزین حبس	نقض دستور/ تخلف از اجرای حکم	اول	افزایش مدت جایگزین یک‌چهارم تا یک‌دوم	قانونی	دارد	صادرکننده حکم قطعی	۸۱
			دوم	اجرای کیفر حبس (حسب ظاهر مقررات)	قانونی	دارد	صادرکننده حکم قطعی	۸۱
۵	نیمه‌آزادی	نقض دستور/ ارتکاب جرم	اول	اجرای کیفر حبس (حسب ظاهر مقررات)	قانونی	ندارد	صادرکننده حکم قطعی	ماده ۵۷ ق.م ۱ و ۱۶ و ۲۲ آیین‌نامه
۶	مراقبت الکترونیکی	نقض دستور/ ارتکاب جرم	اول	اجرای کیفر حبس	قانونی	ندارد	صادرکننده حکم قطعی	ماده ۶۲ ق.م ۱ و ۴ دستورالعمل

۳. رویکردهای تقنینی در وضع ضمانت اجرا برای جایگزین‌ها

در برخی از کیفرها، وضع ضمانت اجرا چندان ضرورت ندارد. در واقع، به هر مقدار که اجرای کیفر به همکاری محکوم‌علیه نیازمند نباشد، نیاز به تعیین ضمانت اجرا نیز کمتر می‌شود. به‌عنوان مثال، در کیفرهای جسمانی، محکوم به محل اجرای حکم هدایت و حرکات غیرارادی او مهار می‌شود و حکم به‌وسیله مجری اجرا می‌شود (موحد، ۱۳۸۷: ۱۳۴؛ رحمدل، ۱۳۹۳: ۳/۹۴).

باین حال، حسن اجرای کیفری مانند حبس به رعایت مقررات متنوعی از سوی محبوس وابسته است؛ از این رو، وادار کردن محکوم به رعایت آن مقررات مستلزم وضع ضمانت اجراهای گوناگون است (رجوع شود به: عابدی، ۱۴۰۳: ۱۵۳؛ طهماسبی، ۱۴۰۳: ۱۴۵؛ مدنی کرمانی، ۱۳۹۸: ۸۹). البته، اجرای کیفر حبس به ندرت با کیفر حبس تضمین شده است؛ بلکه غالباً با ضمانت اجراهای دیگری، نظیر محرومیت از ملاقات یا محرومیت از مرخصی، جابه جایی محل نگهداری، محرومیت از پیشنهاد عفو، کسر امتیاز رفاهی یا نمره اعتباری، محرومیت از امکانات رفاهی یا نگهداری در اتاق یک نفره (مواد ۴۱ و ۴۲ آیین نامه اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۴۰۰) برای آن مقرر شده است.

بنابراین، درباره جایگزین های کیفر حبس نیز که محکوم علیه از آزادی عمل بیشتری برخوردار بوده، اجرای آن ها تا حد خیلی بیشتری به همکاری محکوم علیه وابسته است، به طریق اولی، وضع ضمانت اجرا، گریزناپذیر و ضروری تر است؛ زیرا در غیر این صورت، فرایند اجرا غیرممکن یا با دشواری های فراوان روبه رو می شود.

بدیهی است که این امر به نوبه خود نشان می دهد که کیفیت و چگونگی تضمین نیز بسیار حائز اهمیت و نیازمند دقت فراوان است؛ زیرا در وضع ضمانت اجرا می توان خیلی سختگیرانه عمل کرد و اندک تخلفی را موجب الغای حکم جایگزین محسوب کرد و یا می توان خیلی سهلگیرانه عمل کرد و از بسیاری از خطاها چشمپوشی کرد یا به مجرم کراراً فرصت داد؛ یا می توان راه بینابینی را برگزید و حسب مورد و با توجه به شرایط مختلف، از ترکیبی از ضمانت اجرای شدید یا خفیف یا متوسط استفاده کرد.

به نظر می رسد آنچه بیش از همه بر چگونگی ضمانت اجرای جایگزین ها اثر دارد، نوع نگاهی است که مقنن به آن ها دارد؛ که به طور کلی می تواند شامل سه رویکرد زیر باشد.

۳-۱. رویکرد سختگیرانه در تعیین ضمانت اجرای جایگزین ها

رویکرد سختگیرانه معلول نگاه ارفاقی به جایگزین های کیفر حبس است؛ از این منظر، جایگزین ها به مثابه اعطای فرصتی به بزهکار برای اثبات خویش و تشویق وی به درستکاری و

۱- به عنوان یک نمونه، قانون گذار در ماده ۵۴۷ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازات های بازدارنده) فرار از زندان را جرم انگاری و مقرر کرده است: «هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید، به شلاق تا ۷۴ ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آنرا خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره- زندانیانی که مطابق آیین نامه زندان ها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند، فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می گردند».

به کمک تهدید مجازات احتمالی است (حیدری، ۱۳۹۴ الف: ۱۶۱؛ توجهی، ۱۴۰۲: ۳۴۸). در این رویکرد خطر تعیین یا اجرای کیفر برای بزهکار وجود دارد اما تعیین یا اجرای مجازات مرتکب، منوط به تخلف مرتکب است. بنابراین، محکوم باید قدر فرصت را بداند و الا رنج کیفر را تحمل خواهد کرد (حیدری، ۱۳۹۴ ب: ۳۲۳).

بنابراین، از نقطه نظر این رویکرد، آنچه ایشان در مدت نظارت (که می‌تواند حسب مورد مدت تعویق، تعلیق، آزادی مشروط و... باشد) تحمل می‌کنند، کیفر تلقی نمی‌شود، بلکه یک فرصت ارفاقی برای خودسازی و اثبات توانایی کنترل خویش است (حیدری، ۱۳۹۴ الف: ۱۶۵). کیفر واقعی کیفری است که تهدید آن برای محکوم وجود دارد و در صورت قدرناشناسی وی از سیاست ارفاقی درباره او اجرا خواهد شد.

بنابراین، این رویکرد معمولاً با مجموعه‌ای از تدابیر و دستورها و اقدامات نظارتی همراه می‌شود که تشویق و تنبیه محکوم را عملی می‌سازد و به منظور واداشتن مجرم به درستکاری و قانون‌مداری در مدت نظارت، معمولاً ضمانت اجراهای سختگیرانه‌ای نیز در قبال نقض هر کدام از تدابیر و دستورها و اقدامات نظارتی وضع می‌شود تا به واسطه آن‌ها محکوم، سایه تهدید کیفر را بیشتر احساس کند.

بررسی مقررات ناظر به ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که آنچه در این زمینه در مقررات قانون مجازات اسلامی مقرر شده، حاکی از یک سیاست سختگیرانه است که خود معلول نگاه ارفاقی به جایگزین‌هاست. رویکرد سختگیرانه مقنن در تنظیم مقررات ناظر به جایگزین‌های کیفر حبس موجب شد که در زمینه ضمانت اجراهای آن‌ها نیز شدت عمل قابل توجهی صورت پذیرد. به عنوان مثال، مطابق ماده ۴۴ قانون مجازات اسلامی چنین آمده است: «در مدت تعویق، در صورت ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، دادگاه به لغو قرار تعویق اقدام و حکم محکومیت صادر می‌کند.» مشابه این حکم در ماده ۵۴ آن قانون برای تعلیق اجرای مجازات مقرر شده است.

این امر اگرچه می‌تواند با قاطعیت و شدت بخشیدن به پاسخ کیفری موجب بازدارندگی برای بخشی از مجرمان شود، اما ممکن است تبعات نامطلوبی را نیز به دنبال داشته باشد که از مهم‌ترین آن‌ها پدیده‌ای به نام «شبکه‌گستری» است که اثر معکوسی بر عملکرد جایگزین‌های کیفر حبس داشته، در عمل به جای کاهش، موجب افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها می‌شود. در سیاست کیفری برخی از کشورهای غربی مانند انگلستان، دولت‌ها عموماً از اواخر دهه ۱۹۸۰ دریافتند که آنچه از جایگزین‌های کیفر حبس انتظار می‌رفت، برآورده نشده و نشانه آن،

تحقیقات تجربی بود که نشان می‌داد جایگزین‌های کیفر حبس تنها در حدود نیمی از پرونده‌هایی که در آن‌ها اعمال شدند، توانستند عملاً جایگزین حبس شوند (باتمز، ۲۰۰۴: ۳). منتقدان از این کارکرد منفی جایگزین‌های کیفر حبس به «شبکه‌گستری» تعبیر می‌کردند. شبکه‌گستری، یعنی وارد کردن تعداد زیادتری از بزه‌کاران کم‌خطر به شبکه جزایی و تحمیل کردن مجازات‌های شدیدتر بر آنان، نسبت به آنچه پیش از این بوده است.

منتقدان با استناد به یافته‌های برخی پژوهش‌ها، استدلال می‌کردند که مثلاً تعلیق مجازات یا تعویق محکومیت - به عنوان یک جایگزین حبس - باید در موردی صادر شود که در غیر آن صورت، متهم به مجازات حبس محکوم می‌شود. اما در عمل مشاهده شده است که برخی متهمان، در مواردی به تعلیق محکومیت یا تعویق مجازات محکوم شده‌اند که در غیر آن صورت - یعنی در صورت عدم واکنشی به نام تعلیق محکومیت یا تعویق مجازات - به جزای نقدی محکوم می‌شدند. این وضعیت حاکی از این است که جایگزین‌ها، در عمل جانشین جزای نقدی و مانند آن شده‌اند و نه جایگزین حبس.

اما تأثیر شبکه‌گستری به آنچه گفته شد، محدود نیست؛ فرضاً اگر متهم موصوف که در وضعیت تعلیق محکومیت یا تعویق مجازات قرار گرفته، در طول دوره تعلیق یا تعویق، مجدداً مرتکب جرم شود، پیامد تکرار جرم این است که غالباً با توجه به اینکه محکومیت قبلی او جایگزین حبس است، محکومیت جدید وی جز حبس نخواهد بود. در این صورت، در اثر الغای حکم تعلیق یا تعویق، مجازات حبس جرم قبلی نیز فعال شده و آن شخص در واقع باید دو مجازات حبس را تحمل کند. در حالی که اگر حکم تعلیق اساساً وجود نداشت، آن شخص به جزای نقدی یا مجازات‌های خفیف‌تری محکوم می‌شد و به هیچ‌کدام از آن دو کیفر حبس محکوم نمی‌شد (باتمز، ۲۰۰۴: ۳).

۳-۲. رویکرد سهلگیرانه در تعیین ضمانات اجرای جایگزین‌ها

با عنایت به آنچه گفته شد، رویکرد سهلگیرانه را می‌توان نقطه مقابل سیاست سختگیرانه در تعیین ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس دانست. البته، این رویکرد تنها در سطح نظری قابل تصور است؛ زیرا تقریباً در همه جوامع، قانون‌گذاران با تأثیرپذیری از هراس جامعه از بزهکاری، به نوعی کیفرگرایی عوام‌گرایانه تمایل دارند که ایشان را معمولاً به سختگیری در برابر جرم سوق می‌دهد (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۲: ۱۳۸؛ صدیقی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۵).

بررسی چند دهه سیاست‌گذاری در ایران نیز نشان می‌دهد که قانونگذار از تأثیرات هراس اجتماعی از جرم و کیفرگرایی عوام‌گرایانه مصون نبوده (مقدسی و فرجیها، ۱۳۹۳: ۲۵؛ حسینی و

اسمعیل‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۰۲)، گاهی در کیفرگذاری به‌طور عام و غالباً در وضع ضمانت اجرا برای جایگزین‌های کیفر حبس، گرایش خود به سختگیری را نشان داده است. از این‌رو، در قلمرو کشور ما نیز، رویکرد سهلگیرانه در تعیین ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس تا کنون در عمل، جامعه قانون به خود نبوشیده و اجرایی نشده است.

۳-۳. رویکرد میانه و متناسب با سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها

در رویکرد میانه و متناسب با سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها، جایگزین‌های کیفر حبس به‌مثابه واکنش‌ها و تدابیری است که در حد خود می‌توانند اهداف کیفر را محقق کنند. از این‌رو، آن‌ها گزینه‌هایی هستند که دست مرجع قضایی را برای گزینش مجازات متناسب باز می‌گذارند و به او این امکان را می‌دهند تا با تعیین آن‌ها، هم به بازاجتماعی‌شدن و اصلاح یا ارباب مجرم نائل شود و هم محکوم و خانواده او را از معایب کیفر حبس و جامعه را از هزینه‌های هنگفت آن مصون نگاه دارد.

بنابراین، همان‌گونه که در بایسته‌های واکنش‌های تعزیری گفته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۳؛ صادقی، ۱۳۷۳: ۲۸۲؛ احمدی ابهری، ۱۳۷۷: ۲۳۱)، دادگاه باید کوشش کند که کیفر را با معیارهایی از قبیل شدت جرم، وضعیت بزه‌دیده و آثار جرم بر جامعه و گستره خسارات ناشی از جرم و ویژگی‌های فردی و اجتماعی بزهکار متناسب کند تا کیفری سودمند و در حد ضرورت و استحقاق مجرم بر او تحمیل کند. از این منظر، جایگزین‌های کیفر حبس بیشتر از آنکه ارفاق به مجرم باشد، به‌منزله کیفرها یا تدابیری است که برای قاضی فرصت متناسب‌سازی را فراهم می‌کند.

بنابراین، جایگزین‌های کیفر حبس نیز مانند سایر کیفرها، تنها در حدودی که ضرورت‌های اجرای کیفر اقتضا دارد، نیازمند ضمانت اجرا بوده، باید تا حد امکان از وضع ضمانت اجراهای متعدد و متنوع برای آن‌ها پرهیز شود تا به اندک‌تخلفی ملغی نشده و قابلیت استمرار داشته باشد. در بسیاری از موارد مانند اعمال کیفیات مخفف یا جهات تخفیف و تبدیل مجازات که پس از اعمال آن‌ها، اگر محکوم قدرناشناسی کرده و دوباره مرتکب جرم شود، دادگاه دوباره به تجدیدنظر در مجازات تخفیف‌یافته یا تبدیل‌شده نمی‌پردازد (گلدوزیان، ۱۴۰۱: ۲۴۳؛ نورپها و شبیری، ۱۴۰۱: ۲۳۶)، و مجازات قبلی را یک‌بار دیگر و البته بدون اعمال کیفیات مخفف و مبدل بازتعیین نمی‌کند، بلکه تنها ممکن است جهات تشدید عمومی مانند تکرار جرم برای محکوم اعمال شود، رویکرد میانه نیز موجب می‌شود تا درباره اغلب جایگزین‌ها، حتی‌المقدور از ضمانت اجراهای تنبیهی پرهیز شود.

آشکار است که اگر این رویکرد بر مقررات مربوط به جایگزین‌های کیفر حبس حاکم شود، می‌توان نقض‌های موجب الغای جایگزین کیفر حبس را به موارد مهم محدود کرد و نقض در موارد نخست را نیز مورد اغماض قرار داد که در نتیجه آن، جایگزین‌ها غالباً فرایند اجرا را تا خاتمه طی می‌کنند و به ندرت ملغی می‌شوند. اما به هر تقدیر، در حال حاضر نه رویکرد میانه، بلکه رویکرد رقیب آن یعنی رویکرد سختگیرانه مورد پذیرش مقنن ایرانی قرار گرفته که ثمره آن معایب متعددی است که مقررات مربوط را فراگرفته و در حد خود، تحقق کاهش جمعیت زندان‌ها را تا سطح قابل توجهی غیرممکن کرده است.

۴. دلایل لزوم اتخاذ رویکرد میانه و متناسب با حبس‌زدایی

چنانکه گفته شد، علی‌رغم اینکه رویکرد میانه، زمینه بیشتری را برای اجرای سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها فراهم می‌کند و با سیاست‌های کلی قضایی جمهوری اسلامی ایران و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه هماهنگ‌تر است، اما مورد پذیرش قرار نگرفته و قانونگذار مقررات مربوط به ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی را براساس رویکرد مخالف آن (رویکرد سختگیرانه) تنظیم کرده است. باین حال، بنا به دلایلی که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود، تعدیل این رویکرد ضروری به نظر می‌رسد.

۴-۱. لزوم توجه به ویژگی‌های محکوم

اغلب جایگزین‌های کیفر حبس در محیط زندگی محکوم‌علیه اجرا می‌شود و این یعنی، جایگزین‌های کیفر حبس محکوم را از شرایط فردی و اجتماعی او جدا نمی‌کند (نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۸۶: ۱۰۹؛ نجفی‌ابرنآبادی، ۱۳۸۷: ۶؛ نجم‌سپهیلی، ۱۳۹۹: ۴۷۹)؛ در حالی که در خیلی از موارد، همان شرایط، زمینه‌های بزهکاری بوده و انگیزش‌های لازم را فراهم کرده است (رجوع شود به: کوسون، ۱۳۹۴؛ مارش و همکاران، ۱۳۹۳؛ سوتیل و همکاران، ۱۳۸۸؛ غلامی، ۱۳۹۰). بنابراین، نباید انتظار داشت مرتکب، که قبلاً مقهور آن شرایط شده، به یک‌باره بتواند با قدرت تمام در برابر آن‌ها بایستد و مقاومت کند. بلکه احتمال شکستن مجدد محکوم بسیار محتمل است و بنابراین باید در این صورت به او فرصت جبران داده شود.

به‌علاوه، از توجه به تدابیر مذکور و نحوه اجرای آن‌ها درک می‌شود که نقض این تدابیر ممکن است در شرایط گوناگون صورت گیرد و آثار متفاوتی داشته باشد و یا با مقاصد مختلفی صورت پذیرد. به عبارت دیگر، شرایط زندگی و اوضاع و احوال فردی و اجتماعی محکوم‌علیه از قبیل فقر و تنگدستی، بیکاری، سن، جنسیت، بیماری و... بر کیفیت اجرای تدابیر از سوی محکوم

مؤثر است و همه اینها نشان می‌دهد که همه موارد نقض دستور و تخلف مثل هم نبوده، همه حاکی از تجری یا خطرناکی محکوم محسوب نمی‌شود. به عبارت دیگر، ممکن است شرایط فردی و اجتماعی و وضعیت زندگی محکوم علیه بر نحوه اجرای دستورات اثر گذاشته، در برخی موارد نقض دستور را توجیه کند.

در رویکرد سختگیرانه که جایگزین‌ها به عنوان اعطای فرصت به مجرم، برای قانون‌مداری تلقی می‌شوند، همانند آنچه پیشگامان مکتب کلاسیک تصور می‌کردند (بکاریا، ۱۴۰۰: ۲۴؛ محمودی جانکی و آقای، ۱۳۸۷: ۳۷۱؛ داوودی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۹۷)، فرض بر این است که محکوم از قدرت لازم و اراده کافی برای کنترل شرایط پیرامونی برخوردار است و می‌تواند همه انگیزش‌های بزهکارانه را خنثی کند و در نهایت مرتکب تکرار جرم نشود. در حالی که این فرض در عمل به ندرت پیش می‌آید و عکس آن غالب و رایج است. پس تا وقتی نقش مسوق‌ها و محرک‌های محیطی و اجتماعی بر بزهکاران قابل توجه است، فرض خودکنترلی مطلق ایشان یک اندیشه غیرواقع‌بینانه و آرمان‌گرایانه است.

بنابراین، همان گونه که رویکرد میانه و متناسب با حبس‌زدایی مقتضی می‌داند، لازم است که شرایط اجتماعی و اقتصادی و ویژگی‌های محکوم نیز در تعیین ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس و ملاً در تصمیم بر ابقا یا الغای جایگزین دارای تأثیر باشد و توجه به ویژگی‌های محکوم علیه مستلزم آن است که با متنوع کردن ضمانت اجرا و افزایش تشدید، لغو جایگزین‌ها در صورت تخلفات خرد و قابل تسامح، به جای بار اول به دفاعات بعدی منتقل شود.

۴-۲. گستردگی تخلفات موجب لغو جایگزین و فقدان ضابطه‌گرایی آنها

حسب آنچه در مقررات قانون مجازات اسلامی مقرر شده است، بخشی از نقض‌های موجب ضمانت اجرا ممکن است شامل رعایت نکردن «تدابیر» ضمن حکم جایگزین حبس باشد (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۲۸۴؛ حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۶: ۴۸). مطابق ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی: «تعویق مراقبتی همراه با تدابیر زیر است:

الف. حضور به موقع در زمان و مکان تعیین شده به وسیله مقام قضایی یا مددکار اجتماعی ناظر؛

ب. ارائه اطلاعات و اسناد و مدارک تسهیل کننده نظارت بر اجرای تعهدات محکوم برای مددکار اجتماعی؛

پ. اعلام هرگونه تغییر شغل، اقامتگاه یا جابه‌جایی در مدت کمتر از پانزده روز و ارائه گزارشی از آن به مددکار اجتماعی؛

ت. کسب اجازه از مقام قضایی به منظور مسافرت به خارج از کشور».

چنانکه ملاحظه می‌شود، مقررات یادشده از این حیث که تدبیر درباره چه نوع بزهکارانی و تحت چه شرایطی قابل اعمال است، ساکت است و این سکوت موجب می‌شود که ویژگی‌های بزهکار و شرایط و به تبع آن تفسیر نقض و تخلف تا حد زیادی به صلاحدید مراجع قضایی باشد؛ همچنین اثر تخلف، از این حیث که در مرتبه اول موجب الغای جایگزین شود یا مراحل بعدی نیز می‌تواند موجب الغا باشد، تحت تأثیر تفسیر قضایی قرار گیرد. این امر، صرف‌نظر از اینکه در مواردی زمینه اعمال سلیقه و نقض اصل تساوی افراد در برابر قانون را فراهم می‌کند، به نوبه خود غالباً منتهی به حاکمیت ظاهر مقررات در موارد نقض تدابیر شده، موجب می‌شود که نخستین تخلف، نقض تدبیر محسوب و موجب اعمال ضمانت اجرا شود.

حال آنکه اقتضای رویکرد میانه و متناسب با حبس‌زدایی آن است که قاضی در تعیین تدابیر، تابع ضوابطی باشد یا موظف شود که هر تدبیر را بنا به سببی تعیین کند و در دادنامه دلیل تعیین آن تدبیر را ذکر کند تا محکوم علیه بی‌جهت تحت تدابیر متعدد و گوناگون قرار نگرفته و نقض آن‌ها موجب الغای جایگزین و اعمال کیفر حبس بر وی شود. به بیان دیگر، هرچند تنوع و کثرت تدابیر فی نفسه امر نامطلوبی نیست، اما عدم اشاره به مراتب نقض تدبیر و ميسوط‌الید گذاشتن قاضی در انتخاب همه یا هیچ کدام از آن‌ها، با سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها سازگار نیست؛ زیرا ضریب احتمال نقض تدبیر را افزایش می‌دهد و در مواردی بدون ضرورت، نقض اولین تدبیر موجب اعمال ضمانت اجرا می‌شود.

آنچه درباره «تدابیرها» گفته شد، درباره «دستورهای دادگاه» نیز صدق می‌کند؛ زیرا، با توجه به مقررات قانون مجازات اسلامی، بخشی از نقض‌های موجب ضمانت اجرا ممکن است شامل رعایت نکردن دستورهای دادگاه باشد (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۲۹۳؛ حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۶: ۵۷). مطابق ماده ۴۲ قانون مجازات اسلامی، در تعویق مراقبتی، دادگاه صادرکننده قرار می‌تواند مرتکب را به اجرای یک یا چند مورد دستور در مدت تعویق، ملزم کند که تعداد آن‌ها به هشت مورد می‌رسد.

بنابراین، همانند آنچه درباره تدابیر گفته شد، درباره دستورهای ضمن جایگزین کیفر حبس نیز این ایراد وجود دارد که تعداد آن‌ها خیلی زیاد است و قاضی می‌تواند بدون اینکه به تعلیل یا توجیه چرایی گزینش آن‌ها ملزم باشد، همه یا لاقلاً اکثر آن‌ها را برای یک محکوم تعیین کند که در نتیجه ضریب احتمال نقض تدبیر افزایش یافته، نقض یکی از آن‌ها موجب لغو جایگزین می‌شود. به علاوه حسب ظاهر مقرر، نخستین تخلف، اعمال ضمانت اجرا را در پی دارد و این همه، برخلاف رویکرد میانه و متناسب با کاهش جمعیت زندان‌ها است.

۴-۳. گستردگی دامنه جرائم موجب لغو قرار یا حکم جایگزین

ارتکاب جرم جدید نیز گونه دیگری از نقض‌های موجب ضمانت اجراست که در قانون مجازات اسلامی بدان توجه شده است (منصورآبادی، ۱۴۰۱ الف: ۲۷۹؛ نوربها و شیر، ۱۴۰۱: ۲۳۶). چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، درباره بسیاری از جایگزین‌های کیفر حبس، ارتکاب جرم موجب حد، قصاص؛ جنایات عمدی موجب دیه یا تعزیر تا درجه هفت، موجب لغو جایگزین کیفر حبس و اجرای مجازات اصلی می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۲: ۲۶۵؛ حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۶: ۶۸).

این در حالی است که جرائم مذکور از حیث شدت و ضعف اختلاف فاحشی دارند؛ اما مقررات یادشده، به شدت و ضعف آن‌ها توجهی ندارد. به عنوان مثال، همان‌گونه که محاربه و افساد فی الارض، که مجازات اعدام دارد، موجب لغو جایگزین کیفر حبس می‌شود، ایراد یک جراحت بدون خونریزی یا ایراد ضرب موجب کبودی پوست، که مجازات آن یک صدم دیه یا کمتر از آن است نیز موجب لغو جایگزین می‌شود. یا ارتکاب یک جرم تعزیری سبک که موجب جزای نقدی درجه ۷ است، از حیث الغای جایگزین کیفر حبس با ارتکاب جرم تعزیری درجه یک با کیفر حبس طولانی مدت (بیش از ۲۵ سال) برابر است.

گستردگی جرائم موجب لغو قرار یا حکم جایگزین، بیشتر با رویکرد سختگیرانه تناسب دارد که در آن جایگزین‌ها نه بر مدار استحقاق، که به مثابه ارفاق به محکوم اعمال می‌شود و اگر محکوم پس از آن مرتکب جرم شود، نشان می‌دهد که شایسته ارفاق نبوده و باید با او سختگیری شود. طبیعی است که در نتیجه این رویکرد، با افزایش دامنه و تعداد جرائم موجب نقض قرار یا حکم جایگزین، احتمال قانون شکنی از سوی محکوم نیز افزایش یافته، به تبع آن احتمال افزایش زندانیان و آمار محکومیت‌های حبس نیز افزایش می‌یابد.

بنابراین، واقع‌بینی اقتضا دارد که همسو با رویکرد میانه و متناسب با کاهش جمعیت زندان‌ها، اثر ارتکاب مجدد بزهکاری بر لغو قرار یا حکم جایگزین، به جرائم خیلی مهم محدود شود؛ به عبارت دیگر، سختگیری و شدت عمل را باید در مواردی اعمال کرد که دیگر جایی برای تسامح و مدارا نیست و آن مواردی است که بزهکار با ارتکاب جرائم عمدی خیلی مهم، خطرناکی خود را برای جامعه آشکار کرده است.

در غیر این صورت، می‌توان تا حد امکان تساهل و مدارا کرد و ارتکاب جرائم خرد و کم‌اهمیت را موجب نقض جایگزین ندانست. البته این به معنای سهلگیری بی‌جا و تفریط و بی‌اعتنایی به مصالح اجتماعی یا حقوق بزه‌دیدگان نیست؛ زیرا در این صورت، مرتکب، علاوه بر طی دوران محکومیت به جایگزین، مجازات جرم جدید را نیز متحمل خواهد شد که خود نوعی تشدید کیفر است و در مواردی نیز مشمول کیفیات و جهات تشدید کیفر خواهد شد. به این ترتیب،

هم مصالح اجتماعی رعایت می‌شود و هم سیاست کیفری با سیاست حبس زدایی هماهنگ می‌شود.

نتیجه‌گیری

رویکرد محتاطانه مقنن در سال ۱۳۹۲ موجب شده که ضمانت اجرای سختگیرانه و شدیدی برای جایگزین‌های کیفر حبس مقرر شود که اگر نگوئیم مانع سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها است، دست کم در عمل به تحقق آن کمک چندانی نمی‌کند؛ زیرا ضمانت اجرای به‌گونه‌ای تنظیم شده است که به آدنی تخلفی ممکن است جایگزین کیفر حبس لغو شود و کیفر اصلی (حبس) به اجرا درآید؛ یا در صورت ارتکاب مجدد جرائم بسیار خفیف، بدون لحاظ هیچ قید و شرطی، حکم یا قرار جایگزین لغو شده، مجازات اصلی به اجرا درمی‌آید.

مفروض قانونگذار این است که کلیه محکومان از قدرت لازم و اراده کافی برای کنترل شرایط پیرامونی برخوردارند؛ زیرا در مقررات ناظر به ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی، به شرایط اجتماعی و اقتصادی و ویژگی‌های محکوم توجه چندانی نشده، در تعیین ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس و مآلاً در تصمیم بر ابقا یا الغای جایگزین، سهم قابل توجهی برای آن‌ها قائل نشده است.

در حالی که واقعیت‌های اجتماعی از نقش مؤثر مسوق‌ها و محرک‌های محیطی و اجتماعی بر بزه‌کاران حکایت دارد و نشان می‌دهد که پیش فرض خودکنترلی مطلق بزه‌کاران، اندیشه‌ای آرمان‌گرایانه است. براساس این پیش فرض، مقنن ارتکاب نخستین جرم جدید، حتی اگر جرمی خفیف باشد، و در مواردی نخستین تخلف از تدابیر یا دستورهای مقرر شده به وسیله دادگاه را موجب الغای حکم یا قرار جایگزین می‌داند که به نوبه خود، حاکی از یک سیاست سختگیرانه و افراطی است.

از سوی دیگر، هرچند تنوع و تکرار تدابیر یا دستورهایی که دادگاه ضمن صدور حکم به جایگزین مقرر می‌کند، فی نفسه امر نامطلوبی نیست، اما عدم اشاره به مراتب نقض تدبیر و مرسوم‌الید گذاشتن قاضی در انتخاب همه یا هیچ کدام از آن‌ها، از دیگر مواردی است که در صورت انتخاب همه یا اکثر آن‌ها به وسیله قاضی، ضریب احتمال نقض تدبیر را افزایش می‌دهد و از این رو، این امر نیز حاکی از اتخاذ رویکرد سختگیرانه و افراطی است که با سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها سازگار نیست.

به علاوه، مطابق مقررات ناظر به ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی، درباره بسیاری از جایگزین‌های کیفر حبس، ارتکاب جرم موجب حد، قصاص، مطلق

جنایات عمدی موجب دیه یا کلیه جرائم تعزیری تا درجه هفت موجب لغو جایگزین کیفر حبس و اجرای مجازات اصلی می‌شود؛ چراکه دامنه برخی از جرائم مذکور بسیار وسیع است؛ مانند جنایات عمدی موجب دیه که انواع متنوعی از ضربات دارای اثر جسمانی یا جراحات را شامل می‌شود و یا کلیه جرائم تعزیری تا درجه هفت که شامل صدها عنوان مجرمانه است. طبیعی است که در نتیجه این رویکرد، با افزایش دامنه و تعداد جرائم موجب نقض قرار یا حکم جایگزین، احتمال قانون‌شکنی از سوی محکوم نیز افزایش یافته، به تبع آن احتمال افزایش زندانیان و آمار محکومیت‌های حبس نیز افزایش می‌یابد.

این در حالی است که جرائم مذکور از حیث شدت و ضعف اختلاف فاحشی دارند؛ اما مقررات یادشده، به شدت و ضعف آن‌ها توجهی ندارد. به عنوان مثال، همان‌گونه که محاربه و افساد فی الارض، که مجازات اعدام دارد، موجب لغو جایگزین کیفر حبس می‌شود، ایراد یک جراحت عمدی بدون خونریزی یا ایراد ضرب موجب کبودی پوست، که مجازات آن یک‌صدم دیه یا کمتر از آن است نیز موجب لغو جایگزین می‌شود؛ یا ارتکاب یک جرم تعزیری سبک که موجب جزای نقدی درجه هفت است، از حیث الغای جایگزین کیفر حبس با ارتکاب جرم تعزیری درجه یک با کیفر حبس طولانی‌مدت (بیش از ۲۵ سال) برابر است.

بررسی مقررات ناظر به ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی نشان می‌دهد که قانونگذار آن‌گونه که شایسته است به سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها اهتمام نداشته، به عکس، با تأثیرپذیری از رویکرد سختگیرانه در طراحی و تقنین ضمانت اجرا، در دام سختگیری و شدت‌گرایی افراطی گرفتار آمده است. از این‌رو، نظام ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی، نه تنها کمک شایانی به کاهش آمار جمعیت کیفری زندان‌های کشور نمی‌کند، بلکه حتی می‌تواند به عنوان یکی از موانع مهم تحقق کاهش جمعیت زندان‌ها در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران محسوب شود.

بنابراین، به منظور ارتقای جایگاه نظام ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی، پیشنهادهای زیر درخور توجه است:

نخست، با توجه به وجود ناهمگونی و تفاوت‌هایی که در میان ضمانت اجرای هریک از جایگزین‌ها وجود دارد، توصیه می‌شود که قانون‌گذار با یک نگاه جامع به انواع مختلف جایگزین‌های کیفر حبس و به انگیزه طراحی نظام واحد ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس، ضمانت اجرای موجود را بازبینی و اصلاح کند.

دوم، التزام به سیاست کاهش جمعیت زندان‌ها و واقع‌بینی در امر تقنین ضمانت اجرا، اقتضا دارد که قانون‌گذار در امر بازبینی و اصلاح نظام ضمانت اجرای جایگزین‌های کیفر حبس در

قانون مجازات اسلامی، رویکرد میانه و متناسب با کاهش جمعیت زندان‌ها را بر رویکردهای رقیب برتری دهد و اثر ارتکاب مجدد بزهکاری بر لغو قرار یا حکم جایگزین را به جرائم خیلی مهم محدود کند؛ زیرا سختگیری و شدت عمل را باید در مواردی اعمال کرد که دیگر جایی برای تسامح و مدارا نیست و آن مواردی است که بزهکار با ارتکاب جرائم عمدی خیلی مهم، خطرناکی خود را برای جامعه آشکار کرده است. اگر بپذیریم که جایگزین‌های کیفر حبس، علاوه بر تدابیر شامل کیفرها نیز هست، آنگاه ضرورت بازتعریف اثر ارتکاب جرم جدید بر جایگزین‌ها آشکارتر می‌شود.

سوم، توجه به ویژگی‌های محکوم‌علیه مستلزم آن است که علاوه بر متنوع‌شدن ضمانت اجراها و افزایش سطوح تشدید آن‌ها، میان انواع تخلف و جرم حسب شرایط مختلف تمییز داده شود و برای هر کدام ضمانت اجرای مناسب آن در نظر گرفته شود و لغو جایگزین‌ها در صورت تخلفات قابل تسامح، به‌جای بار اول، به‌دفعات بعدی منتقل شود. در زمینه تخلفات همچنین ضروری است که قاضی، در تعیین «تدابیر» یا «دستورهای» ضمن محکومیت به جایگزین، تابع ضوابطی باشد و موظف شود که هر تدبیر یا دستور را براساس احراز سببی تعیین کند و در دادنامه دلیل تعیین آن را ذکر کند تا محکوم‌علیه بدون ضرورت تحت تدابیر متعدد و گوناگون قرار نگرفته، احتمال الغای غیرضروری جایگزین و اعمال کیفر حبس منتفی شود.

منابع

- احمدی‌ابهری، س. م. ع. (۱۳۷۷). اسلام و دفاع اجتماعی. چ اول. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- احمدی موحّد، ا. (۱۳۸۷). اجرای احکام کیفری. چ سوم. تهران، نشر میزان.
- اردبیلی، م. ع. (۱۴۰۲). حقوق جزای عمومی. ج ۳. چ بیست و هفتم. تهران: نشر میزان.
- امیرارجمند، ا. (۱۳۸۶). مجموعه اسناد بین‌المللی حقوق بشر. چ دوم. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- بکاریا، س. (۱۴۰۰). رساله جرائم و مجازات‌ها، مترجم: محمدعلی اردبیلی. چ دهم. تهران: نشر میزان.

- بهره‌مند، حمید. (۱۳۹۶). سیاست حبس‌زدایی در نظام تقنینی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه راهبرد، ۲۶(۸۲)، ۳۵۷-۳۸۲.
- توجهی، ع. (۱۴۰۲). نهادهای ارفاقی در قانون مجازات اسلامی. چ دوم. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- جعفری لنگرودی، م. ج. (۱۴۰۳). مقدمه عمومی علم حقوق. چ هفدهم. تهران: گنج دانش.
- حاجی تبار فیروزجائی، ح. (۱۳۹۶). جایگزین‌های حبس در حقوق کیفری ایران. چ دوم. تهران: فردوسی.
- حسینی، س. ح.، و اسمعیل‌زاده، ل. (۱۳۹۳). جنبه‌های عوام‌گرایی سیاست کیفری ایران در قبال مفاسد اقتصادی. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۴(۵۴)، ۲۰۱-۲۴۱.
- حیدری، ع. م. (۱۳۹۴ الف). چالش‌های سیاست کیفری ارفاقی قانون مجازات اسلامی در برابر جرائم سبک. فصلنامه حقوق اسلامی، ۱۲(۴۵)، ۱۵۹-۱۸۵.
- حیدری، ع. م. (۱۳۹۴ ب). حقوق جزای عمومی بررسی فقهی حقوقی واکنش علیه جرم. چ سوم. تهران: نشر سمت.
- دانش‌پژوه، م. (۱۴۰۳). مقدمه علم حقوق با رویکرد به حقوق ایران و اسلام. چ هفدهم. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- داوودی‌گرمارودی، ه. (۱۳۸۶). اندیشه‌های مجازات و عوامل مؤثر بر حجم جمعیت کیفری. مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، چ اول، تهران، نشر میزان.
- رحمدل، م. (۱۳۹۳). آیین دادرسی کیفری. ج ۳. چ اول. تهران: نشر دادگستر.
- ساکت، م. ح. (۱۳۸۷). حقوق‌شناسی دیباچه‌ای بر دانش حقوق. چ اول. تهران: نشر ثالث.
- سوتیل، ک.، پیلو، م.، و تیلور، ک. (۱۳۸۸). شناخت جرم‌شناسی. مترجم: میرروح‌الله

- صدیق. چ دوم. تهران: دادگستر.
- شیروی، ع. (۱۴۰۲). مقدمه علم حقوق. چ چهارم. تهران: نشر میزان.
 - صادقی، م. ه. (۱۳۷۳). گرایش کیفری سیاست جنایی اسلام. رساله دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
 - صدی خانلو، ع.، شاملو، ب.، و نجفی توانا، ع. (۱۴۰۱). مبانی عوام‌گرایی کیفری و پیامدهای آن در سیاست جنایی. نشریه کارآگاه، ۱۶(۵۹)، ۱۰۱-۱۲۱.
 - طهماسبی، ج. (۱۴۰۳). آیین دادرسی کیفری اجرای احکام کیفری. ج ۴. چ اول. تهران: نشر میزان.
 - عابدی، ا. (۱۴۰۳). اجرای احکام کیفری. چ چهاردهم. تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
 - غلامی، ح. (۱۳۹۰). بررسی حقوقی-جرم‌شناختی تکرار جرم. چ سوم. تهران: نشر میزان.
 - کاتوزیان، ا. ن. (۱۴۰۳). مقدمه علم حقوق و مطالعه آن در نظام حقوقی ایران. چ بیست و هفتم. تهران: گنج دانش.
 - کوسون، م. (۱۳۹۴). اصول جرم‌شناسی. مترجم: میرروح‌الله صدیق. چ سوم. تهران: دادگستر.
 - گلدوزیان، ا. (۱۴۰۱). بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چ بیست‌وپنجم. تهران: نشر میزان.
 - مارش، ی.، ملویله، گ.، مورگان، ک.، نوریس، گ.، و والکینگتن، ز. (۱۳۹۳). نظریه‌های جرم. مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی. چ دوم. تهران: نشر میزان.
 - محمودی‌جانکی، ف.، و آقایی، س. (۱۳۸۷). بررسی نظریه بازدارندگی مجازات. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲(۱)، ۳۴۹-۳۷۱.
 - مدنی کرمانی، ع. (۱۳۹۸). اجرای احکام کیفری. چ هفتم. تهران: نشر مجد.

- مقدسی، م. ب.، و فرجیها، م. (۱۳۹۳). ویژگی‌های سیاست‌های کیفری عوام‌گرا؛ مطالعه تطبیقی. مطالعات حقوق تطبیقی، ۴(۲)، ۱۳۷-۱۵۵. مقدسی، م. ب.، و فرجیها، م. (۱۳۹۲). جلوه‌های عوام‌گرایی در سیاست‌های کیفری مواد مخدر. تحقیقات حقوقی، ۱۷(۶۸)، ۲۵-۴۸.
- مکارم شیرازی، ن. (۱۳۸۳). تعزیر و گستره آن. چ اول. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب (ع).
- منصورآبادی، ع. (۱۴۰۱ الف). حقوق جزای عمومی. ج ۳. چ دوم. تهران: نشر میزان.
- منصورآبادی، ع. (۱۴۰۱ ب). مختصر حقوق جزای عمومی. چ چهارم. تهران: نشر میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع. ح. (۱۳۸۶). مجازات‌های جامعه‌مدار در لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان: راهکاری برای کاهش جمعیت زندان. مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان. چ اول. تهران: میزان.
- نجفی ابرندآبادی، ع. ح. (۱۳۸۷). کیفرهای جامعه‌مدار. دیپاچه ویراست چهارم بر ترجمه کیفرشناسی برنار بولک. چ هشتم. تهران: مجد.
- نجم‌سپیلی، ف. (۱۳۹۹). مجازات‌های جایگزین حبس در نظام عدالت کیفری. فصلنامه تحقیقات حقوق قضایی، ۱(۲)، ۴۷۹-۴۹۷.
- نوربها، ر.، و شیر، ع. (۱۴۰۱). زمینه حقوق جزای عمومی. چ سوم. تهران: نشر میزان.
- آیین‌نامه نحوه اجرای مجازات‌های تکمیلی موضوع ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۲۶
- آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳/۶/۵
- آیین‌نامه اجرایی مراقبت‌های الکترونیکی مصوب ۱۳۹۷/۴/۱۰
- آیین‌نامه نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق صدور

حکم، نظام نیمه‌آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و جایگزین‌های
حبس مصوب ۱۳۹۸/۲/۴

• آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب
۱۴۰۰/۰۲/۲۸

• دستورالعمل تعیین محدوده مراقبتی محکومان تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی
مصوب ۱۴۰۱/۵/۲۹

References

- Ashworth, A. (2012). Sentencing and criminal justice. Fifth edition. New York: Cambridge University Press.
- Bottoms, A., Rex, S., and Robinson, G. (2004). Alternatives to prison options for an insecure society. First publication. London: Willan Publishing.
- Brownlee, I. (1998). Community Punishment A Critical Introduction. First edition. London: Longman.
- Davies, M., Croall, H., and Tyrer, J. (2005) Criminal justice: An introduction to the criminal justice system in England & Wales. Third Edition. London: Longman.
- Easton, S., and Piper, C. (2016). Sentencing and punishment the quest for justice. Forth edition, New York: Oxford university press.
- Mackenzie, D.L. (2001). Sentencing and Corrections in the 21st Century: Setting the Stage for the Future. U.S. Department of Justice.
- Mason, T. (2000). Care and management in the community. In: Behavior, crime and legal process a
- guide for forensic practitioners. New York: Wiley Press.
- Scott, D. (2008). Penology, First publication. London: Sage publications.
- Seymour, M. (2005). Alternatives to custody. The community foundation for Ireland in association with Irish penal reform trust.

Ireland.

- Singh, S. (2002). Community based sentences: Alternatives to short-term imprisonment. Master of Arts Dissertation. University of South Africa.
- Ahmadi Abhari, S.A.A. (1998). Islam and Social Defense. First of all. Qom: Islamic Propagation Office of Qom Seminary. (In Persian).
- Ahmadi Movahed, A. (2008). Execution of Criminal Sentences, Third Edition, Tehran, Mizan Publishing. (In Persian).
- Ardabili, M.A. (2023). General Criminal Law, Vol. 3, Twenty-Seventh Edition, Tehran, Mizan Publishing. (In Persian).
- Amirarjmand, A. (2007). Collection of International Human Rights Documents, Second Edition, Tehran: Shahid Beheshti University. (In Persian).
- Beccaria, S. (2021). Treatise on Crimes and Punishments, Translator: Mohammad Ali Ardabili, Tenth Edition, Tehran, Mizan Publishing. (In Persian).
- Bahramand, Hamid. (2017). the Policy of Decarceration in the Legislative System of the Islamic Republic of Iran, Strategic Quarterly, 26(82), 357-382. (In Persian).
- Tvajjohi, A. (2023). Permissive Institutions in the Islamic Penal Code, Second Edition, Tehran, Judiciary Press and Publications Center. (In Persian).
- Jafari Langroudi, M.J. (2024). General Introduction to Law, 17th Edition, Tehran, Ganj Danesh. (In Persian).
- Hajitabar Firouzjaei, H. (2017). Alternatives to Imprisonment in Iranian Criminal Law, Second Edition, Tehran, Ferdowsi. (In Persian).
- Hosseini, S.H., & Esmaeilzadeh, L. (2014). Populist Aspects of Iran's Criminal Policy Toward Economic Corruption, Social Welfare Quarterly, 14(54), 201-241. (In Persian).
- Heidari, A.M. (2015a). The Challenges of the Lenient Criminal Policy of the Islamic Penal Code against Light Crimes, Journal of

Islamic Law, 12(45), 159-185. (In Persian).

- Heidari, A.M. (2015b). Public Criminal Law: A Jurisprudential Legal Review of Reaction to Crime, Third Edition, Tehran, Samt Publishing. (In Persian).
- Daneshpajouh, M. (2024). Introduction to Law with an Approach to Iranian and Islamic Law, 17th Edition, Qom, Seminary and University Research Institute. (In Persian).
- Davoodi Garmaroudi, H. (2007). Thoughts of Punishment and Factors Affecting the Size of the Criminal Population, In: Proceedings of the Conference on Strategies to Reduce the Criminal Population of Prisons, First Edition, Tehran, Mizan Publishing. (In Persian).
- Rahmdel, M. (2014). Criminal Procedure, Vol. 3, First Edition, Tehran, Judiciary Publishing. (In Persian).
- Saket, M.H. (2008). Jurisprudence: An Introduction to the Knowledge of Law, First Edition, Tehran, Third Edition. (In Persian).
- Suttel, K., Pillo, M., & Taylor, K. (2009). Criminology, Translator: Mir Ruhollah Seddiq, Second Edition, Tehran, Judiciary. (In Persian).
- Shiravi, A. (2023). Introduction to Law, Fourth Edition, Tehran, Mizan Publishing.
- Sadeghi, M.H. (1994), The Criminal Tendency of Islamic Criminal Policy, Ph.D. Thesis in Criminal Law and Criminology, Tarbiat Modares University.
- Sadri Khanloo, A., Shamloo, B., & Najafi Tavana, A. (2022). The Foundations of Criminal Populism and Its Consequences in Criminal Policy, Detective Journal, 16(59), 101-121.
- Tahmasebi, J. (2024). Criminal Procedure for the Execution of Criminal Judgments, Vol. 4, First Edition, Tehran, Mizan Publishing.
- Abedi, A. (2024). Execution of Criminal Sentences, Fourteenth Edition, Tehran, Judiciary Press and Publications Center.

- Gholami, H. (2011). A Legal-Criminological Study of Recidivism, Third Edition, Tehran, Mizan Publishing.
- Katouzian, A.N. (2024). Introduction to Law and its Study in the Iranian Legal System, 27th Edition, Tehran, Ganj Danesh.
- Kosun, M. (2015). Principles of Criminology, Translator: Mir Ruhollah Siddiq, Third Edition. Tehran, Judiciary.
- Goldozian, A. (2022). Requirements of Public Criminal Law, 25th Edition, Tehran, Mizan Publishing.
- Marsh, Y., Melville, G., Morgan, K., Norris, G., & Walkington, Z. (2014), Theories of Crime, Translator, Hamidreza Malekmohammadi, 2nd Edition, Tehran, Mizan Publishing.
- Mahmoudijanaki, F., & Aghaei, S. (2008). A Study of the Theory of Punishment Deterrence, Law Quarterly of the Faculty of Law and Political Science, 2(1), 349-371.
- Madani Kermani, A. (2019). Execution of Criminal Sentences, 7th Edition, Tehran, Majd Publishing.
- Moghaddasi, M.B., & Farajiha, M. (2014). Characteristics of Populist Criminal Policies, Comparative Study, Comparative Law Studies, 4(2), 137-155.
- Moghaddasi, M.B., & Farajiha, M. (2013). The Manifestations of Populism in Drug Criminal Policies, Legal Research, 17(68), 25-48.
- Makarem Shirazi, N. (2004). Ta'zir and its Scope, First Edition, Qom, Imam Ali Ibn Abi Talib (AS) School.
- Mansourabadi, A. (2022a). General Criminal Law, Vol. 3, Second Edition, Tehran, Mizan Publishing.
- Mansourabadi, A. (2022b). A Brief History of Public Criminal Law, Fourth Edition, Tehran, Mizan Publishing.
- Najafi Abrandabadi, A.H. (2007). Community-Based Punishments in the Draft Law on Social Penalties as an Alternative to Prison: A Strategy for Reducing the Prison Population. In: Proceedings of the Conference on Strategies for Reducing the Criminal Population of Prisons. First Edition, Tehran: Mizan.
- Najafi Abrandabadi, A.H. (2008). Community-Based Punishments.

Preface to the Fourth Edition on: Translation of Bernard Bullock's Criminology. Ch. 8. Tehran: Majd.

- Najm Soheili, F. (2020). Alternative Punishments to Imprisonment in the Criminal Justice System, Judicial Law Research Quarterly, 1(2), 479-497.
- Noorbaha, R., & Shiri, A. (2022), The Background of Public Criminal Law, Third Edition, Tehran, Mizan Publishing.
- Regulations on the Implementation of Supplementary Punishments Subject to Article 23 of the Islamic Criminal Law approved on 16/11/1393
- Executive Regulations of Article 79 of the Islamic Virtual Law approved on 27/09/2014
- Executive Regulations of Electronic Care approved on 01/07/2018
- Regulations on the Execution of Sentence Suspension Orders, Conditional Release, Sentence Postponement Order, Semi-Release System and Release under the Supervision of Electronic Systems and Alternatives to Imprisonment approved on 24/05/2019
- Executive Regulations of the Organization of Prisons and Security and Educational Measures of the Country approved on 18/05/2021
- Instructions for determining the care area of convicts under the supervision of electronic systems approved on 20/08/2022